

بررسی تطبیقی آراء مفسران درباره آیات ۱۶۴ تا ۱۶۶ سوره صافات

۱- علی دریس، دانشجوی دکتری رشته تفسیر تطبیقی دانشگاه یزد، یزد، ایران : Ali.deris1400@gmail.com

۲- محمدعلی حیدری مزروعی آخوند، دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه یزد، یزد، ایران (نویسنده مسئول). heydari@yazd.ac.ir

۳- بهنامی دهقان منگابادی، دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه یزد، یزد، ایران : badehghan@yazd.ac.ir

چکیده

اکثر مفسران، آیات آغازین سوره صافات «وَالصَّافَّاتِ صَفًّا فَالْزَّاجِرَاتِ زَجْرًا فَالتَّالِيَاتِ ذِكْرًا» را ناظر به فرشتگان دانسته‌اند و این پیش‌فرض سبب شده است که سه آیه از بخش پایانی این سوره «وَمَا مِنَّا إِلَّا لَهُ مَقَامٌ مَّعْلُومٌ وَإِنَّا لَنَحْنُ الصَّافُّونَ وَإِنَّا لَنَحْنُ الْمُسَبِّحُونَ» (صافات/۱۶۴-۱۶۶) نیز در بیشتر تفاسیر به عنوان سخن فرشتگان تفسیر شود. در برابر این برداشت غالب، گروهی اندک آیات ۱۶۴-۱۶۶ را به پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع) نسبت داده و برخی دیگر، آیات را ناظر به صف‌های نماز جماعت تفسیر کرده و گروه چهارم نیز معنا را تعمیم داده و آیات را ناظر به مراتب سلوک انسانی و یا نقش همه مخلوقات در جهان هستی تفسیر کرده‌اند. از این رو، پژوهش حاضر از جهت حل اختلاف مفسران و تبیین جایگاه اهل بیت (ع) در قرآن ضرورت دارد. بر این اساس، مقاله حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و رویکرد تطبیقی، آراء ۳۳۰ مفسر اعم از شیعه و اهل سنت را در مورد آیات ۱۶۴-۱۶۶ گردآوری و در پرتو تحلیل ساختار سوره صافات و سیاق آیات ۱۴۹-۱۸۲ ارزیابی کرده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که ساختار معنایی و محتوایی سوره، گوینده این سه آیه را پیامبر اکرم (ص) معرفی می‌کند که در مقام معرفی جایگاه و منزلت «عباد مخلص» سخن می‌گوید؛ نتیجه‌ای که با هدف کلی سوره هماهنگ است و می‌تواند راهگشای حل بخشی از اختلافات تفسیری باشد.

کلیدواژه‌ها:

سوره صافات، تفسیر آیات ۱۶۴-۱۶۶، عباد مخلص، اهل بیت (ع).

۱- طرح مسأله

در مطالعات تفسیری، تحلیل آیات در بستر سیاق و پیوندهای درون‌متنی از مهم‌ترین راه‌های دستیابی به معنای دقیق قرآن به شمار می‌آید. توجه به سیاق و انسجام ساختاری سوره‌ها، به مفسر این امکان را می‌دهد که هر آیه را در بستر معنایی خود تحلیل کرده و از برداشت‌های منفصل یا متناقض با هدف کلی سوره پرهیز نماید. سوره «صافات» به‌ویژه در بخش پایانی (آیات ۱۴۹ تا ۱۸۲)، با طرح جدال با پندارهای مشرکان و بیان جایگاه بندگان خاص الهی، زمینه‌ای مناسب برای بررسی نقش سیاق در تفسیر آیات فراهم می‌آورد.

در میان این آیات، سه آیه «وَمَا مِنَّا إِلَّا لَهُ مَقَامٌ مَّعْلُومٌ* وَإِنَّا لَنَحْنُ الصَّافُّونَ* وَإِنَّا لَنَحْنُ الْمُسَبِّحُونَ» (صافات/۱۶۴-۱۶۶) جایگاه ویژه‌ای دارند؛ زیرا در طول تاریخ تفسیر، برداشت‌های گوناگون و گاه متعارضی درباره آنها ارائه شده است. در این پژوهش مجموعاً دیدگاه‌های ۳۳۰ مفسر مورد بررسی قرار گرفت. از میان این تعداد، ۱۱۳ مفسر اساساً به تفسیر آیات ۱۶۴ تا ۱۶۶ سوره صافات پرداخته‌اند و از کنار این آیات گذشته‌اند (تستری، ۱۴۲۳ق؛ عیاشی، ۱۳۸۰ق؛ شنفیطی، ۱۴۲۷ق؛ ابن شهر آشوب، بی‌تا). همچنین ۳ مفسر اگرچه به این آیات توجه داشته‌اند، اما سخن خود را در قالب احتمال و گمان مطرح کرده و رأی نهایی و قطعی ارائه نکرده‌اند (ماوردی، بی‌تا؛ ج ۵/ص ۷۲؛ سلمی، ۱۴۲۱ق؛ ج ۲/ص ۱۸۲؛ ابن فورک، ۱۴۳۰ق؛ ج ۲/ص ۲۶۲).

در میان مفسرانی که به تفسیر این آیات پرداخته‌اند دیدگاه‌ها متفاوت است. غالب مفسران این آیات را گفتار فرشتگان دانسته‌اند که در مقام دفاع از توحید سخن می‌گویند؛ برخی آن را ناظر به مقام پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) تفسیر کرده‌اند؛ و شماری دیگر، آیات را به صف کشیدن در نماز و برخی دیدگاهی تعمیمی مطرح کرده و معنای آیات را به مراتب سلوک بشری و نقش موجودات و کائنات در جهان هستی گسترش داده‌اند. این گستره دیدگاه‌ها نشان می‌دهد که تعیین‌گوینده آیات و مقصود اصلی آنها نیازمند رویکردی روشمند است. از این رو، پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و رویکرد تطبیقی، در پی آن است که با تحلیل سیاق آیات ۱۴۹ تا ۱۸۲ و مقایسه آراء مفسران، دیدگاه هماهنگ‌تر با متن سوره را شناسایی کند. بنابراین پرسش بنیادین این پژوهش عبارت است از: بر اساس بررسی سیاق آیات ۱۴۹ تا ۱۸۲ و انسجام ساختاری سوره صافات، کدام رأی تفسیری در تعیین‌گوینده آیات ۱۶۴ تا ۱۶۶ از اعتبار بیشتری برخوردار است؟

با پاسخ به این پرسش، انتظار می‌رود علاوه بر شفاف‌سازی مفهوم آیات مورد بحث، بخشی از اختلافات مفسران نیز در پرتو تحلیل ساختاری قرآن کریم روشن گردد.

۲- پیشینه پژوهش

بررسی منابع کتابخانه‌ای و جست‌وجوی بانک‌های اطلاعاتی نشان می‌دهد که تاکنون پژوهش‌های متعددی به تحلیل برخی آیات سوره صافات پرداخته‌اند؛ با این حال، این مطالعات عمدتاً متمرکز بر آیات خاص یا موضوعات جزئی بوده و به صورت مستقل و جامع به تحلیل پیوسته سیاق آیات ۱۴۹ تا ۱۸۲ این سوره توجه نکرده‌اند. همچنین، در میان آثار موجود، پژوهشی که به طور اختصاصی به تفسیر و تحلیل آیات «وَمَا مِنَّا إِلَّا لَهُ مَقَامٌ مَّعْلُومٌ* وَإِنَّا لَنَحْنُ الصَّافُونَ* وَإِنَّا لَنَحْنُ الْمُسَبِّحُونَ» با رویکرد سیاق‌پژوهی و تطبیق آراء مفسران پردازد، یافت نشد. این خلأ علمی، ضرورت انجام پژوهش حاضر را دوجندان می‌سازد.

۳- تحلیل و بررسی دیدگاه مفسران

آنچه در ادامه خواهد آمد، مرور و تحلیل دیدگاه‌های مفسران درباره آیات ۱۶۴ تا ۱۶۶ سوره صافات است. در این بخش، ابتدا آراء موجود دسته‌بندی می‌شود، سپس مبانی استدلالی هر دیدگاه تبیین و در نهایت، این آراء بر اساس سیاق آیات و انسجام ساختاری سوره صافات ارزیابی می‌گردد.

۱-۳- فرشتگان

بخش قابل توجهی از مفسران، آیات «وَمَا مِنَّا إِلَّا لَهُ مَقَامٌ مَّعْلُومٌ» (صافات/۱۶۴)، «وَإِنَّا لَنَحْنُ الصَّافُونَ» (صافات/۱۶۵) و «وَإِنَّا لَنَحْنُ الْمُسَبِّحُونَ» (صافات/۱۶۶) را گفتار فرشتگان دانسته‌اند که در مقام دفاع از توحید و نفی نسبت‌های مشرکانه درباره آنان بیان شده است. در بررسی انجام‌شده بر آراء ۳۳۰ مفسر، ۱۹۳ مفسر - از میان مفسران شیعه و اهل سنت در دوره‌های گوناگون - این آیات را از زبان ملائکه دانسته‌اند؛ در برابر پندار مشرکان که فرشتگان را دختران خدا معرفی می‌کردند. نظر به فراوانی مفسرانی که این برداشت را ترجیح داده‌اند، سامان‌دهی آراء آنان به تفکیک دوره‌های تاریخی (متقدم، میانه و متأخر) ضروری است. نمونه‌های شاخص عبارتند از:

الف) مفسران متقدم (از آغاز تفسیر تا قرن ۵ق): دینوری، ۱۴۲۴ق: ج ۲، ص ۲۲۴؛ طبری، ۱۴۲۲ق: ج ۱۹، ص ۶۵۰-۶۵۵؛ ابن‌ابی‌حاتم، ۱۴۱۹ق: ج ۱۰، ص ۳۲۳۲؛ سمرقندی، ۱۴۱۶ق: ج ۳، ص ۱۵۵؛ ماتریدی، ۱۴۲۶ق: ج ۸، ص ۵۹۳؛ طبرانی، ۲۰۰۸م: ج ۵، ص ۳۲۶؛ ابن‌ابی‌زمین، ۱۴۲۳ق: ج ۴، ص ۷۷؛ طوسی، بی‌تا: ج ۸، ص ۵۳۵.

ب) مفسران میانه (از قرن ۶ تا ۹ ق): طبرسی، ۱۴۰۸ق: ج ۸/ص ۷۲۰؛ ثعلبی، ۱۴۲۲ق: ج ۸/ص ۱۷۲؛ بغوی، ۱۴۲۰ق: ج ۴، ص ۵۰؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ج ۲۶، ص ۳۶۲؛ ثعالبی، ۱۴۱۸ق: ج ۵، ص ۵۱.

ج) مفسران متأخر (از قرن ۱۰ ق به بعد): کاشانی، ۱۳۳۶: ج ۸، ص ۲۶؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق: ج ۱۲، ص ۱۴۶؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰ق: ج ۲۳، ص ۹۷؛ مغنیه، ۱۴۲۴ق: ج ۶، ص ۳۶۰؛ طباطبایی، ۱۳۵۲: ج ۱۷، ص ۱۷۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۱۹، ص ۱۸۲.

زمخشری سیاق آیات را پیوسته با آیه «سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ» دانسته و تأکید می‌کند که از این آیه تا «وَأَنَا لَنَحْنُ الْمُسْبِحُونَ» سخن فرشتگان است که با تنزیه خداوند، خود را از نسبت‌های مشرکان مبرا می‌سازند (زمخشری، ۱۴۰۷ق: ج ۴، ص ۶۶).

علامه طباطبایی نیز در المیزان این آیات را گفتار ملائکه می‌داند و رأی مخالف، یعنی تفسیر این آیات به سخن پیامبر (ص) درباره خود و مؤمنان را «مبتهی بر تکلف» و ناسازگار با سیاق می‌شمارد. به نظر وی، فضای سوره در رد نسبت‌های مشرکان به فرشتگان است و تفسیر انسان‌محور، با این انسجام معنایی هم‌خوانی ندارد (طباطبایی، ۱۳۵۲: ج ۱۷، ص ۱۷۵).

برای تأیید این برداشت، برخی مفسران به خطبه ۹۱ نهج البلاغه استناد کرده‌اند که در آن امام علی (ع) اوصاف گروه‌هایی از ملائکه را با تعبیراتی همسان قرآن ذکر کرده است: «مِنْهُمْ سُجُودٌ لَّا يَرْكَعُونَ، وَرُكُوعٌ لَّا يَنْتَضِبُونَ، وَصَافُونَ لَّا يَتَزَايَلُونَ، وَمُسْبِحُونَ لَّا يَسْأَمُونَ» (قرشی بنابی، ۱۳۷۷ش: ج ۹، ص ۱۸۹). تکرار واژگان «صَافُونَ» و «مُسْبِحُونَ» در این خطبه برای بسیاری از مفسران مؤید آن است که آیات مورد بحث، در وصف طاعت، نظم و تسبیح بی‌وقفه فرشتگان نازل شده است.

۲-۳- اهل بیت (ع)

در میان مفسران، گروه اندکی آیات «وَمَا مِنَّا إِلَّا لَهُ مَقَامٌ مَّعْلُومٌ*وَأَنَا لَنَحْنُ الصَّافُونَ*وَأَنَا لَنَحْنُ الْمُسْبِحُونَ» (صافات/۱۶۴-۱۶۶) را به اهل بیت پیامبر (ص) تطبیق داده‌اند. مستند اصلی این دیدگاه، مجموعه‌ای از روایات تفسیری منقول از امامان معصوم (ع) است که در منابعی چون تفسیر قمی، تفسیر فرات کوفی و تأویل الآيات الظاهرة نقل شده‌اند.

از جمله، در تفسیر قمی از امام صادق (ع) آمده است که این آیات درباره امامان و اوصیای پیامبر (ص) نازل شده است (قمی، ۱۴۰۴ق: ج ۲، ص ۲۲۷-۲۲۸). در روایتی دیگر، امام صادق (ع) خطاب به شهاب می‌فرماید: «ما خاندان پیامبر،

علامه طباطبایی نیز در المیزان
Commented [U1]:
جای "نیز" را تغییر دهید

پیش از آمدن به دنیا، انوار صف کشیده‌ای پیرامون عرش الهی بودیم که خدا را تسبیح می کردیم... بنابراین، ماییم که مصداق آیات "وَإِنَّا لَنَحْنُ الصَّافُّونَ وَإِنَّا لَنَحْنُ الْمُسَبِّحُونَ" هستیم (قمی، ۱۴۰۴ق: ج ۲، ص ۲۲۸). در تفسیر فرات کوفی نیز مشابه همین مضمون از امام صادق (ع) نقل شده است: «نَزَلَتْ فِي الْأَنْبِيَاءِ وَالْأَوْصِيَاءِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ (ص)» (کوفی، ۱۴۱۰ق: ص ۳۵۶). همچنین در تأویل الآيات الظاهرة، امیرالمؤمنین (ع) اهل بیت (ع) را به انوار صف کشیده‌ای پیرامون عرش تشبیه کرده که تسبیح آنان الهام بخش فرشتگان و اهل زمین است: «كُنَّا أَنْوَاراً حَوْلَ الْعَرْشِ، فَسَبَّحْنَا، فَسَبَّحَتِ الْمَلَائِكَةُ... فَإِنَّا لَنَحْنُ الصَّافُّونَ، وَإِنَّا لَنَحْنُ الْمُسَبِّحُونَ» (استرآبادی، ۱۴۰۹ق: ص ۴۸۷-۴۸۸).

لازم به ذکر است که این دسته از مفسران برای ترجیح این رأی عمدتاً به روایات استناد کرده‌اند و از تحلیل سیاق یا انسجام درونی آیات بهره نگرفته و دلیلی قرآنی مطرح نکرده‌اند.

برخی مفسران شیعه، همچون فیض کاشانی با نقل این روایات، تفسیر آیات بر اهل بیت (ع) را به صورت احتمالی بیان کرده و در عین حال تفسیر فرشته‌محور آیات را نیز رد نکرده است (فیض کاشانی، ۱۳۷۳ش: ج ۴، ص ۲۸۶). شاه‌عبدالعظیم نیز ظاهر آیه را ناظر به ملائکه دانسته و روایت قمی از امام صادق (ع) را در شأن اهل بیت (ع) به عنوان وجه ثانوی ذکر کرده است (شاه‌عبدالعظیمی، ۱۳۶۳ش: ج ۱۱، ص ۱۶۷).

افزون بر این، برخی مفسران مانند بحرانی در البرهان و حویزی در نورالتقلین هر دو دسته روایت -مربوط به ملائکه و اهل بیت (ع)- را ذیل این آیات نقل کرده‌اند، بی آنکه میان آنها داوری نهایی انجام دهند (بحرانی، ۱۴۱۵ق: ج ۴، ص ۶۳۳؛ حویزی، ۱۴۱۵ق: ج ۴، ص ۴۳۹).

۳-۳- صف کشیدن در نماز

تنها سه مفسر آیه «وَإِنَّا لَنَحْنُ الصَّافُّونَ» (صافات/۱۶۵) را به صفوف نماز جماعت مسلمانان تطبیق داده‌اند و آن را ناظر به ضرورت نظم در عبادت جمعی دانسته‌اند (سیوطی، ۱۴۲۸ق: ص ۲۱۹-۲۲۰؛ ابن رجب حنبلی، ۱۴۲۲ق: ج ۲، ص ۱۴۶؛ عبدالغنی، ۱۴۱۳ق: ص ۲۹۲-۲۹۳). این برداشت بر روایات مربوط به آداب نماز تکیه دارد و تحلیلی مستقل از سیاق آیات سوره ارائه نمی‌کند.

۳-۴- تفسیر مبتنی بر تعمیم آیات

برخی مفسران، آیات مورد بحث را فراتر از فرشتگان یا رسولان دانسته و آن را به مراتب موجودات دیگر، به‌ویژه سالکان انسانی، تعمیم داده‌اند. روزبهان بقلی و نجم‌الدین کبری، ضمن پذیرش تفسیر آیات درباره فرشتگان، «مقام

معلوم» و «صافون» را به منازل سلوکی انسان نیز گسترش داده‌اند و حتی دستیابی سالک به مراتبی برتر از فرشتگان را ممکن دانسته‌اند (روزبهان بقلی، ۲۰۰۸م: ج ۳، ص ۱۸۲-۱۸۳؛ نجم‌الدین کبری، ۲۰۰۹م: ج ۵، ص ۱۷۵-۱۷۶). ابراهیم عاملی نیز این آیات را در چارچوب مقامات قرب الهی انسان‌ها تفسیر کرده است (عاملی، ۱۳۵۹ش: ج ۷، ص ۳۰۵-۳۰۶). مهائمی با رویکردی عام‌تر، مصادیق آیات را شامل ملائکه، جن و انس دانسته است (مهائمی، ۱۴۳۲ق: ج ۳، ص ۱۶).

وجه مشترک این آراء، گشودن معنای آیات به طیفی وسیع از موجودات و سالکان است؛ با این تفاوت که تحلیل آنان بیشتر بر پایه مبانی عرفانی و الهامی است تا استناد به سیاق قرآنی.

۱-۴-۳- تمام کائنات اعم از موجودات زنده و جمادات

گروهی از مفسران، شمول آیات ۱۶۴-۱۶۶ صافات را فراتر از ملائکه، جن و انسان دانسته و آن را ناظر به همه مخلوقات، حتی جمادات، تفسیر کرده‌اند. به باور آنان، «وَمَا مِنَّا إِلَّا لَهُ مَقَامٌ مَّعْلُومٌ» بیان‌گر اصل نظام‌مند آفرینش است که در آن، هر موجود جایگاه و نقشی معین دارد و «صفوف» و «تسبیح» نیز نماد هماهنگی و پرستش عام عالم هستی است (زین، ۱۴۲۵ق: ج ۳، ص ۴۵۴-۴۵۵؛ عرابی، ۱۴۲۶ق: ج ۲، ص ۸۸۷-۸۸۸؛ بهجت پور، ۱۳۹۰ش: ج ۶، ص ۵۳۴).

این رویکرد با نگرش فلسفی - الهیاتی به هستی، آیات را قانونی عام در کل نظام خلقت معرفی می‌کند. با این حال، نقد اصلی به آن، غفلت از سیاق آیات سوره صافات و هدف محوری آن (ردّ پندارهای مشرکان درباره فرشتگان) است؛ امری که موجب تعمیم کلی و گسست معنایی از متن سوره شده است.

۴- تحلیل و بررسی ساختاری و سیاقی آیات ۱۶۴ تا ۱۶۶ در سوره صافات

برای دستیابی به تفسیر صحیح و دقیق آیات ۱۶۴-۱۶۶ سوره صافات، ضروری است که این آیات در بستر ساختار کلی سوره و ارتباط درونی آن با دیگر بخش‌ها تحلیل شود تا محورهای اصلی، پیوند موضوعی و جریان معنایی آن آشکار گردد. سپس، آیات مورد بحث را در سیاق مستقیم خود، یعنی مجموعه آیات ۱۴۹ تا ۱۸۲ مورد بررسی قرار داد، تا با توجه به نظم گفتار، چینش عبارات، و ارتباط مفهومی میان آیات پیشین و پسین، گوینده و مخاطب این آیات به درستی شناسایی شود.

۱-۴-۴- تحلیل و بررسی ساختار سوره صافات

بررسی ساختاری سوره نه تنها فهم موضوعی سوره را آسان تر می سازد بلکه زمینه دستیابی به تفسیری صحیح، منسجم و نزدیک تر به مقصود الهی را فراهم می آورد.

۱-۱-۴- بررسی بخش اول از ساختار سوره

سوره صافات با سه سوگند آغاز می شود: «وَالصَّافَّاتُ صَفًّا ۖ فَالزَّاجِرَاتُ زَجْرًا ۖ فَالَّتِیْ لَیَّ ۖ ذُرِّاُ» (صافات/۱-۳)؛ و در پاسخ به این سوگندها، محور اصلی سوره را در جمله ای موجز و بنیادین تبیین می فرماید: «إِنَّ إِلَّ هَکُم لَوَاحِدٌ» (صافات/۴). به نظر می رسد همین گزاره، چارچوب کلی سوره را ترسیم می کند؛ یعنی اثبات یگانگی خداوند به عنوان خالق و پروردگار آسمان ها و زمین و رد هر گونه باور باطل مشرکان درباره ذات الهی.

در ادامه، سوره به مخالفت معاندان عصر نزول با پیامبر (ص) اشاره می کند. آنان به جای پرستش خدای یکتا، به جن (شیاطین) روی آورده بودند. خداوند در مقام احتجاج بیان می دارد که حتی شیاطین که از نظر خلقت، توانمندی و قدرت برتر از انسان ها هستند، قادر به دست یابی به هدف خود در استراق سمع از عالم بالا نبوده اند: «لَا یَسْمَعُونَ إِلَی الْمَلَائِکَ عَلَی ۖ وَ یَقْدِفُونَ مِن کُلِّ جَانِبٍ» (صافات/۸)؛ حال چگونه ممکن است انسان هایی که نسبت به شیاطین ضعیف تر و از گل چسبناک آفریده شده اند، در برابر اراده الهی ایستادگی کنند؟ «فَاسْتَفْتِهِمْ أَمْ هُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَمْ مَن خَلَقْنَا إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِّن طِینٍ لَّازِبٍ» (۱۱). با این حال، مشرکان دعوت پیامبر را «سحر آشکار» می خواندند (صافات/۱۲-۱۵).

سوره در ادامه وقوع ناگهانی قیامت را یادآور می شود: «فَإِنَّمَا هِی زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ فَإِذَا هُمْ یَنْظُرُونَ ۖ وَ قَالُوا یَا وَیْلَنَا هَ ذَا یَوْمُ الدِّینِ» (صافات/۱۹ و ۲۰). آنان در آن روز، همراه با همان شیاطینی که پرستش می کردند، محسور خواهند شد: «أَحْشَرُوا الَّذِینَ ظَلَمُوا وَ أَزْوَاجَهُمْ وَ مَا کَانُوا یَعْبُدُونَ ۖ مِن دُونِ اللَّهِ فَاهْدُوهُمْ إِلَی صِرَاطِ الْجَحِیمِ» (صافات/۲۲ و ۲۳).

در این صحنه، از آنان پرسیده می شود که چرا یکدیگر را یاری نمی کنید: «مَا لَکُم ۖ لَّا تَنصَرُونَ» (۲۵). مشرکان نیز مسئولیت این گمراهی و سرنوشت بد را به دوش معبودان خود می گذاشتند: «قَالُوا إِن کُمْ کُنْتُمْ تَأْتُونَنَا عَنِ الْیَمِینِ» (۲۸). شیاطین نیز در پاسخ، مسئولیت گمراهی را بر دوش خودشان نمی گذارند، بلکه در جواب پیروان خود می گویند: «قَالُوا بَلْ لَمْ تَكُونُوا مُؤْمِنِینَ ۖ وَ مَا کَانَ لَنَا عَلَیْکُمْ مِّن سُلْطَانٍ بَلْ کُنْتُمْ قَوْمًا طَآغِینَ» (۲۹ و ۳۰). سپس آنان اعتراف می کنند که خود نیز گمراه بوده اند و وعده عذاب الهی بر ایشان محقق شده است: «فَحَقَّ عَلَینَا قَوْلُ رَبِّنَا إِنَّا لَذَاقُونَ ۖ فَاعْوِیْنَا کُمْ إِنَّا کُنَّا غَاوِینَ» (۳۱ و ۳۲). در نتیجه، هم گمراه کنندگان و هم پیروانشان، در عذاب مشترک خواهند بود: «فَإِنَّهُمْ یَوْمَئِذٍ فِی الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ» (۳۳).

سرانجام علت اصلی این سرنوشت تلخ را چنین بیان می‌کند که هرگاه به آنان گفته می‌شد که پروردگاری جز خداوند یکتا نیست، با تکبر روی می‌گرداندند: «إِنَّهُمْ كَانُوا إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَسْتَكْبِرُونَ» (۳۵).

پس از بیان سرنوشت شوم مشرکان و گمراه‌کنندگان، آیات ۳۸ و ۳۹ با لحنی قطعی عاقبت آنان را چنین توصیف می‌کند: «إِنَّكُمْ لَذَانِقُو الْعَذَابِ الْأَلِيمِ» و «مَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ» (۳۸ و ۳۹).

۱-۱-۴- عباد مخلص و قانون مجازات متناسب با عمل

خداوند با بیان آیه: «وَمَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ» (۳۹) اصل «مجازات متناسب با عمل» را در مورد گناهکاران تثبیت می‌کند. اما بلافاصله، تقابل معنایی مهمی در آیه ۴۰ شکل می‌گیرد و می‌فرماید: «إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ» (۴۰). در این جا، «عباد مخلص» به عنوان استثنایی از قانون پیش گفته مطرح می‌شوند؛ کسانی که پاداششان بر اساس معیار صرف «عمل در برابر جزا» تعیین نمی‌شود تا این امر برای ما قابل استنباط باشد که پاداش عباد مخلص علاوه بر اینکه «بغیر حساب» است؛ در ادامه می‌افزاید که آنان از «رزق معلوم» نیز بهره‌مند هستند: «أُولَئِكَ لَهُمْ رِزْقٌ مَعْلُومٌ» (۴۱).

سپس با ترسیم صحنه‌های بهشتی، جایگاه ممتاز این گروه را در نعمت‌ها و اکرام الهی توصیف می‌کند (صافات/۴۲-۴۹).

۱-۱-۴-۱- اهل بیت (ع) اصلی‌ترین مصادیق عباد مخلص در فضای سوره صافات

با توجه به سیاق سوره و فضای نزول، می‌توان استنباط کرد که مراد از «عباد مخلص» در این آیات، پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت علیهم السلام هستند؛ زیرا:

اولاً: مخاطبان اصلی سوره، مشرکان عصر نزول‌اند و در میان جامعه آن روز، جز پیامبر و خاندان طاهرش، مصداق کامل «عباد مخلص» وجود نداشت.

ثانیاً: توصیف نعمت‌ها در این آیات، شباهت چشمگیری به اوصاف «ابرار» در سوره انسان دارد؛ جایی که طبق اجماع مفسران شیعه، مقصود از «ابرار»، اهل بیت علیهم السلام هستند.

۱-۱-۴-۲- مؤمن نجات یافته از گزند ضلالت

پس از بیان جایگاه ممتاز «عباد مخلص» در بهشت، سوره صافات با روایت تمثیلی، مؤمنی را معرفی می‌کند که خود از «عباد مخلص» نبود، اما به رسالت پیامبر و جایگاه آنان ایمان داشت و به واسطه این ایمان به مقامی والا در بهشت

دست یافت (صافات/۵۱-۵۷). گفت و گوی این مؤمن نشان می‌دهد که او در زندگی دنیوی نزدیک بود تحت تأثیر «قرین» گمراهش که منکر معاد و روز جزا بود، قرار گیرد و دچار هلاکت معنوی شود؛ اما «نعمت رب» او را از این سرنوشت نجات داد «وَلَوْ كُنَّا نَعْمُهُ رَبِّي لَكُنْتُ مِنَ الْمُحْضَرِينَ» (۵۷)؛ که «نعمه ربی» می‌تواند اشاره به هدایت الهی و ایمان به رسول و عباد مخلص داشته باشد.

لازم به ذکر است که واژه «المحضرین» (۵۷) با بخش‌های دیگر سوره ارتباط معنایی دارد و در آیه ۱۵۸ نیز تکرار شده است «وَجَعَلُوا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْجَنَّةِ نَبْأًا وَلَقَدْ عَلِمَتِ الْجِنَّةُ إِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ»، که نشان می‌دهد «محضرین» به معنای «حاضرشدگان در عذاب» است. این پیوند با آیات آغازین سوره روشن می‌سازد که گمراه‌کنندگان - اعم از جن و شیاطین - با علم به لزوم عذاب، انسان‌ها را به گمراهی کشانده‌اند (صافات/۳۱-۳۲).

بنابراین، داستان این مؤمن نجات‌یافته نمونه‌ای عینی برای هشدار به مخالفان و گمراهان است تا این امر را گوش‌زد نماید که ایمان به پیامبر و «عباد مخلص» موجب رستگاری می‌شود، در حالی که انکار و تبعیت از گمراه‌کنندگان به سرنوشت «محضرین» می‌انجامد.

۳-۱-۱-۴- رستگاری در پیروی از عباد مخلص

پس از بیان ماجرای مؤمن نجات‌یافته، سوره صافات در آیات ۶۰ و ۶۱ نتیجه‌گیری می‌کند: «إِنَّ هَٰذَا لَهُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ * لِمَثَلٍ هَٰذَا فَلْيَعْمَلِ الْعَامِلُونَ».

در این عبارت، «هذا» به همان نجات و جایگاه رفیعی اشاره دارد که مؤمن مزبور به سبب ایمان و پیروی از «عباد مخلص» به آن دست یافته است. تعبیر «الفوز العظيم» در این سیاق، تنها به معنای رهایی از عذاب نیست، بلکه دلالت بر وصول به نعمتی دارد که بالاترین مرتبه سعادت اخروی محسوب می‌شود.

۴-۱-۱-۴- سرنوشت مخالفان عباد مخلص

پس از تصویر مؤمن نجات‌یافته، سوره صافات وضعیت اسفناک گمراهان و مخالفان عباد مخلص را ترسیم می‌کند (صافات/۶۲-۶۸). «شجره زقوم» در این آیات نماد عذاب و خواری نهایی کسانی است که بندگی خدا را رها کرده و در پیروی از هواهای نفسانی و وسوسه‌های شیطانی پافشاری کرده‌اند.

سپس علت بنیادین این انحراف، تقلید کورکورانه از گذشتگان و پیروی از گمراهان پیشین معرفی شده است: «إِنَّهُمْ أَفْوَاهُ آبَاءِهِمْ ضَالِّينَ فَهُمْ عَلَىٰ آثَارِهِمْ يُهْرَعُونَ * وَلَقَدْ ضَلَّ قَبْلَهُمْ أَكْثَرُ الْأُولَٰئِينَ» (صافات/۶۹-۷۱).

۲-۱-۴- بررسی بخش دوم از ساختار سوره: اشاره به سرنوشت مخالفان عباد مخلص در طول تاریخ

در ادامه، خداوند با اشاره به تاریخ انبیاء تأکید می‌کند که در برابر هر امتی رسولانی برای انذار و هدایت فرستاده شد، و سرنوشت آنان که تکذیب کردند، جز هلاکت و عذاب نبوده است. تنها گروهی که از این قاعده مستثنی بودند، عباد مخلص هستند: «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا فِيهِمْ مُنْذِرِينَ * فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُنْذِرِينَ * إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ» (۷۲-۷۴). شایان توجه است که در این سیاق، تعبیر «عباد مخلص» دامنه‌ای عام‌تر از اهل بیت پیامبر (ص) دارد و به پیامبران و رسولان پیشین نیز اطلاق می‌شود. این نکته نشان می‌دهد که مفهوم «عباد مخلص» در سوره صافات، لایه‌های معنایی متعددی دارد و بر اساس قرائن سیاقی، می‌تواند هم مصداق خاص (اهل بیت در عصر نزول) و هم مصداق عام‌تر (انبیای پیشین) داشته باشد.

نکته قابل تأمل آن است که پس از ذکر ماجرای هر پیامبر - به جز لوط و یونس - خداوند بر آن پیامبر «سلام» می‌فرستد: «سَلَامٌ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ» (۷۹)، «سَلَامٌ عَلَى إِبْرَاهِيمَ» (۱۰۹)، «سَلَامٌ عَلَى مُوسَى وَ هَارُونَ» (۱۲۰)، «سَلَامٌ عَلَى إِيْلْيَاسِينَ» (۱۳۰).

این سلام الهی، نه صرفاً یک عبارت تکریمی، بلکه نشانه‌ای از مقام ویژه و جایگاه بی‌بدیل این پیامبران در عالم هستی و در میان انسان‌هاست.

۳-۱-۴- محور محتوایی سوره از آغاز تا آیه ۱۴۸

با توجه به تحلیل ساختاری سوره صافات، می‌توان دریافت که آیات یادشده از آغاز سوره تا آیه ۱۴۸ - از انسجام کامل و پیوستگی معنایی برخوردارند. ساختار سوره به گونه‌ای است که تمامی این آیات در خدمت یک هدف واحد قرار گرفته‌اند: هشدار به مشرکان و مخالفان عصر نزول که خداوند یکتاست و تنها از عباد مخلص پیروی کنید.

در این چارچوب، بیان سرگذشت اقوام گذشته و سرنوشت تلخ آنان - از جمله قوم نوح، ابراهیم، موسی و هارون، الیاس، لوط و یونس - صرفاً یک روایت تاریخی نیست، بلکه بخشی از راهبرد بلاغی سوره برای تنبیه و عبرت‌آموزی مخاطبان اصلی است. این اقوام به سبب تکذیب رسولان الهی و رویگردانی از بندگان مخلص خدا، دچار عذاب و نابودی شدند.

بدین ترتیب، یکی از اصلی‌ترین مباحث سوره تا این بخش، مقابله با شرک و پرستش معبودانی غیر از خدای یکتا است؛ معبودانی از جنس شیاطین و جن. در مقابل، سوره بر این حقیقت تأکید می‌کند که تنها راه هدایت و رستگاری،

پیروی از رسولان الهی و عباد مخلص است؛ بندگانی که به اخلاص مطلق رسیده‌اند و از هرگونه سلطه شیطان و هوای نفس مبرا هستند.

۴-۱-۴- بررسی بخش پایانی و نقش آیات ۱۴۹ تا ۱۸۲ در ساختار کلی سوره صافات

پایان سوره، که آیات ۱۴۹ تا ۱۸۲ را در بر می‌گیرد، در حکم حلقه‌ی تکمیل‌کننده‌ی نظام استدلالی آن است. این فراز، به‌عنوان نتیجه و جمع‌بندی، با لحنی جدلی و استیضاحی، باورهای باطل مشرکان را یادآور می‌شود و ریشه‌ی اصلی شرک ایشان را آشکار می‌سازد. این ریشه همان پیروی و نسبت‌دادن به جنّ و شیاطین است که در سراسر سوره به‌طور مستقیم و غیرمستقیم با آن مقابله شده بود.

این بخش، ضمن اشاره‌ی گذرا به برخی پندارهای فرعی مخالفان، چهره‌ی مثبت و معیار حق را نیز معرفی می‌کند و در پایان، با سه آیه‌ی توحیدی و نبوی، کل منظومه‌ی سوره را به نقطه‌ی آغاز خود یعنی تنزیه خداوند یکتا و سلام بر رسولان باز می‌گرداند.

در ادامه به بررسی جزئی این بخش از سوره پرداخته خواهد شد تا آیات مورد بحث در پژوهش حاضر (۱۶۴-۱۶۶) در بستر سیاق مخصوص خود بهتر فهمیده شوند:

۴-۲- تحلیل و بررسی آیات ۱۶۴ تا ۱۶۶ در بستر سیاق آیات ۱۴۹ تا ۱۸۲

پس از ذکر سرگذشت اقوام پیشین و هشدار به مشرکان، سوره صافات در بخش پایانی خود از آیه ۱۴۹ تا پایان سوره، بار دیگر به موضوع اصلی و محوری خود بازمی‌گردد که تبیین انواع شرک و باورهای باطل مشرکان عصر نزول است. آغاز این بخش با فرمان «فَاسْتَفْتِهِمُ الرِّبَّكَ الْبَنَاتُ وَلَهُمُ الْبَنُونَ» (آیه ۱۴۹) همراه است؛ پرسشی که با رویکرد جدلی و استنکاری، عقیده ناروا و تناقض‌گوی مشرکان را آشکار می‌سازد. آنان، از یک سو، فرشتگان را به‌عنوان دختران خدا می‌پنداشتند (۱۵۰ و ۱۵۳) و از سوی دیگر، نسبت پسر داشتن را برای خودشان فضیلت می‌شمردند؛ امری که قرآن آن را هم در بُعد عقیدتی و هم در بُعد منطقی به چالش می‌کشد.

۴-۲-۱- تحلیل آیات ۱۶۴ تا ۱۶۶ با توجه به آیات ۱۴۹ تا ۱۵۸

از دلایل مهمی که تفسیر فرشته‌محور بودن آیات ۱۶۴ تا ۱۶۶ سوره صافات را تضعیف می‌کند، بررسی دقیق آیات ۱۴۹ تا ۱۵۸ است. در این سیاق، همانند ساختار کلی سوره، هیچ جایگاهی برای نقش آفرینی فرشتگان وجود ندارد.

خداوند پس از نقل نسبت‌های ناروا و سخنان باطلی که مشرکان به او نسبت می‌دادند، پرسش‌های انتقادی خود را چنین مطرح می‌سازد: «فَاسْتَفْتِهِمُ الرِّبَّكَ الْبَنَاتُ وَلَهُمُ الْبُيُوتُ* أَمْ خَلَقْنَا الْمَلَائِكَةَ إِنَاثًا وَهُمْ شَاهِدُونَ* أَلَا إِنَّهُمْ مِنْ إِفْكِهِمْ لَيَقُولُونَ* وَلَدَ اللَّهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ* أَصْطَفَى الْبَنَاتِ عَلَى الْبَنِينَ» (صافات/ ۱۴۹-۱۵۳). در ادامه، مشرکان به چالش کشیده می‌شوند که بر چه مبنای عقلی چنین نسبت‌هایی را به خدا داده‌اند: «مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ* أَفَلَا تَذَكَّرُونَ* أَمْ لَكُمْ كُتُوبٌ مُبِينٌ» (۱۵۴-۱۵۶) سپس دلیل نقلی نیز از آن‌ها درخواست می‌کند و می‌فرماید: «فَأْتُوا بِكِتَابِكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (۱۵۷).

اما حقیقتی که خداوند در این آیات روشن می‌سازد، این است که نسبت‌های مشرکان در واقع برخاسته از پیروی آنان از جن و شیاطین است، نه از فرشتگان: «وَجَعَلُوا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْجَنَّةِ نَسَبًا وَلَقَدْ عَلِمَتِ الْجِنَّةُ إِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ» (صافات/ ۱۵۸). این بیان به روشنی نشان می‌دهد که موضوع اصلی این سیاق، پرده‌برداری از حقیقت پرستش مشرکان و پیروی آنان از جن است، نه ارتباط با فرشتگان. بنابراین هیچ ضرورتی ندارد که آیات ۱۶۴ تا ۱۶۶ را از زبان ملائکه تلقی کنیم. قرآن در آیه‌ای دیگر نیز این حقیقت را در قیامت آشکار می‌کند که مشرکان در اصل به پرستش جن پرداخته‌اند نه ملائکه: «وَيَوْمَ يُحْشَرُهُمْ جَمِيعًا ثَمَّ يَقُولُ لِلْمَلَائِكَةِ أَهُولَاءُ* إِيَّاكُمْ كَانُوا يَعْبُدُونَ* قَالُوا سُبْحَانَكَ أَنْتَ وَلِيِّنَا مِنْ دُونِهِمْ بَلْ كَانُوا يَعْبُدُونَ الْجِنَّ أَكْثَرُهُمْ بِهِمْ مُؤْمِنُونَ» (سبأ/ ۴۰-۴۱).

این هم‌خوانی نشان می‌دهد که سیاق آیات پایانی سوره صافات بر محور پرستش جن و شیاطین استوار است، نه ملائکه. از این رو، تفسیر آیات ۱۶۴ تا ۱۶۶ به عنوان سخنان فرشتگان بافت سوره را دچار گسست معنایی می‌سازد.

۱-۲-۴- رابطه تنگاتنگ آیه ۱۵۸ با سایر بخش‌های سوره و حقانیت عباد مخلص

خداوند در این بخش از سوره به مهم‌ترین جلوه شرک در بافت کلی سوره و اصلی‌ترین مخالفان و مخاطبان سوره صافات می‌پردازد که پیوند و خویشاوندی میان خداوند و «جن» را نسبت می‌دادند: «وَجَعَلُوا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْجَنَّةِ نَسَبًا وَلَقَدْ عَلِمَتِ الْجِنَّةُ إِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ» (۱۵۸). این ادعای باطل، با تأکید بر آگاهی کامل جن از احضارشان در قیامت برای عذاب، بی‌اساس شمرده می‌شود. بدین ترتیب، مضمون این آیه دقیقاً همان باور نادرست و خطرناکی را یادآور می‌شود که در آیات آغازین سوره نیز مطرح شده بود. به عبارت دیگر، خط پرستش جن و شیاطین از آغاز تا انتهای سوره قابل مشاهده است و این نشان می‌دهد که مخالفان اصلی پیامبر (ص) در این سوره کسانی بودند که پیروان جن (شیطان) بودند نه ملائکه:

در آغاز سوره: «وَحَفِظًا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَارِدٍ...» (صافات/ ۷-۱۱).

در میانه سوره: «وَمَا كَانَ لَنَا عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ بَلْ كُنْتُمْ قَوْمًا طَآغِينَ...» (۳۰-۳۲).

در انتهای سوره: «وَجَعَلُوا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْجَنَّةِ نَسْبًا وَلَقَدْ عَلِمَتِ الْجِنَّةُ إِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ» (۱۵۸).

۱-۱-۲-۴- نکته ظریف قرآنی در وصف عباد مخلص

این بخش از سوره به یکی از کانونی‌ترین جلوه‌های شرک در فضای نزول، یعنی پرستش موجوداتی از جنس جن و شیاطین، می‌پردازد و هم‌زمان مضمون بنیادین سوره را برجسته می‌سازد: هر نسبتی به خداوند جز آنچه از سوی «عباد مخلص» صادر گردد باطل است. در پیوند میان دو آیه «سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ» و «إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ» نکته‌ای دقیق نهفته است؛ و اغلب از نگاه مفسران پنهان مانده این است که قرآن نمی‌گوید: «إِلَّا مَا يَصِفُ عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ» (جز آنچه عباد مخلص وصف می‌کنند)، بلکه می‌فرماید: «إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ» یعنی جز خود عباد مخلص. این تفاوت ظریف، دو لایه معنایی دارد: نخست آنکه تنها سخن و توصیف عباد مخلص در مورد خداوند صحیح و مطابق با حقیقت است؛ و دوم آنکه خود عباد مخلص مظهر صفات الهی‌اند؛ یعنی وجودشان آینه‌ای است که حقیقت الهی را منعکس می‌کند.^۱

بدین ترتیب، این تعبیر نه صرفاً استثنایی لفظی، بلکه دلالتی هستی‌شناختی دارد که جایگاه ویژه عباد مخلص را به‌عنوان آئینه تمام‌نمای توحید، در گفتار و در وجودشان، آشکار می‌سازد.

۲-۲-۴- رابطه آیات ۱۶۴ تا ۱۶۶ با آیات ۱۵۹ تا ۱۶۳

خداوند در این آیات تأکید می‌فرماید که گفتار و توصیف‌های «عباد مخلص» عین حقیقت است و تبعیت از آنان ضامن هدایت خواهد بود «سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ» * «إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ» (۱۵۹ و ۱۶۰)؛ و این تأکید، امتداد همان محوری است که از آغاز سوره تا اینجا، بر پیروی از «عباد مخلص» اصرار دارد، اما در این بخش با شدت بیشتری مطرح می‌شود: «فَإِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ * مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ بِفَاتِنِينَ * إِلَّا مَنْ هُوَ صَالِ الْجَحِيمِ» (۱۶۱-۱۶۳).

اکنون طبق مطالب پیش گفته و با توجه به پیوند محتوایی و ساختاری میان آیات پایانی و آغازین سوره، می‌توان دریافت که آیات: «وَمَا مِنَّا إِلَّا لَهُ مَقَامٌ مَعْلُومٌ * وَإِنَّا لَنَحْنُ الصَّافُّونَ * وَإِنَّا لَنَحْنُ الْمُسَبِّحُونَ» (۱۶۴-۱۶۶) در حقیقت،

^۱ - این برداشت، برگرفته از مبانی تفسیری استاد فقید دکتر محمدحسین برومند، دانشیار دانشکده الهیات دانشگاه یزد است که در مباحث تفسیری خود بر آن تأکید داشتند.

تعریف و توصیف جایگاه «عباد مخلص» است. این آیات نشان می‌دهد که دلیل حقانیت گفتار آنان، جایگاه ممتازشان نزد خداوند است.

به بیان دیگر، این سه آیه تصویر روشنی از ماهیت «عباد مخلص» ارائه می‌دهد و این توصیف، مطابق سیاق، از زبان پیامبر (ص) بیان می‌شود. دلیل این انتساب آن است که از آیه ۱۴۹ به بعد، خداوند به پیامبر فرمان می‌دهد که با مخالفان وارد گفت‌وگو و احتجاج شود: «فَاسْتَفْتِهِمُ الرِّبَّكَ الْبَنَاتُ وَ لَهُمُ الْبُتُونُ» (۱۴۹).

۳-۲-۴- رابطه آیات ۱۶۴ تا ۱۶۶ با آیات ۱۶۷ تا ۱۶۹

آیات ۱۶۷ تا ۱۶۹ به خوبی نشان می‌دهند که موضوع اصلی در این سیاق، نه وصف فرشتگان بلکه «عباد مخلص» است؛ زیرا بلافاصله پس از بیان سه آیه ۱۶۴-۱۶۶، قرآن کریم از دشمنی و حسادت مشرکان نسبت به «عباد مخلص» سخن می‌گوید: «وَإِنْ كَانُوا لَيَقُولُنَّ لَوْ أَنَّ عِنْدَنَا ذِكْرًا مِنَ الْأَوَّلِينَ لَكُنَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ» (۱۶۷-۱۶۹).

بدین ترتیب روشن می‌شود که آیات ۱۶۴ تا ۱۶۶ در مقام توصیف جایگاه وجودی عباد مخلص است. در مقابل، مشرکان به جای پذیرش این حقیقت، بهانه می‌آورند که اگر آنان نیز «ذکر پیشینان» را در اختیار داشتند، در شمار «عباد مخلص» قرار می‌گرفتند: «لَوْ أَنَّ عِنْدَنَا ذِكْرًا مِنَ الْأَوَّلِينَ لَكُنَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ» (۱۶۷-۱۶۹).

این بیان به روشنی نشان می‌دهد که محور اصلی نزاع، دشمنی با «عباد مخلص» است، نه موضوع ملائکه. در این سیاق، فرشتگان اساساً نقشی ایفا نمی‌کنند. از این رو، پیوند ظریف میان این آیات و سرنوشت اقوام انبیاء، ساختار سوره را یکپارچه کرده و هشدار الهی را آشکار می‌سازد؛ چرا که سرنوشت دشمنان «عباد مخلص» همواره هلاکت و محرومیت از هدایت بوده است.

۴-۲-۴- رابطه آیات ۱۶۴ تا ۱۶۶ با آیات ۱۷۰ تا ۱۸۰

یکی از دلایل مهمی که می‌توان بر اساس آن تأکید کرد آیات ۱۶۴-۱۶۶ از زبان پیامبر اکرم (ص) بیان شده و در وصف انبیاء و اهل بیت (ع) -عباد مخلص- است، نه در توصیف فرشتگان، پیوند این آیات با سیاق بعدی سوره است.

خداوند بلافاصله پس از این توصیف، به واکنش سرسختانه مشرکان اشاره کرده و می‌فرماید: «فَكَفَرُوا بِهِ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ» (۱۷۰) و در ادامه تأکید می‌فرماید که پیروزی از آن رسولان من است: «وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ * إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ * وَإِنْ جُنَدْنَاهُمْ لَغَالِبُونَ» (۱۷۱-۱۷۳). این عبارت نشان می‌دهد که سخنگو در آیات پیشین، همان پیامبری است که با مخالفت مستقیم این گروه مواجه شده است. در ادامه نیز به آن حضرت فرمان داده می‌شود

که: «فَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّىٰ حِينٍ» (۱۷۴) و معنایش آن است که اکنون گفت و گو با آنان بی ثمر است و باید تا زمان معین از رویارویی مستقیم پرهیز شود. سپس آیات بعدی، هم تهدید به عذاب الهی را بیان می کند: «وَأَبْصِرْهُمْ فَسَوْفَ يُبْصِرُونَ» أَفَبِعَذَابِنَا يَسْتَعْجِلُونَ...» (۱۷۵-۱۷۹).

و سرانجام، سوره با این اعلان توحیدی پایان می یابد: «سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ» (۱۸۰) که خود تأکید دیگری است بر این که هر گونه وصف نادرست نسبت به خداوند جز آنچه از سوی «عباد مخلص» و رسولان الهی بیان می شود، باطل و مردود است. این ترتیب آیات، به روشنی جایگاه پیامبر (ص) را به عنوان گوینده آیات ۱۶۴ تا ۱۶۶ تثبیت می کند.

۵-۲-۴- رابطه آیات ۱۶۴ تا ۱۶۶ با آیات ۱۸۱ و ۱۸۲

از دیگر شواهدی که نشان می دهد آیات ۱۶۴ تا ۱۶۶ در وصف «عباد مخلص» و از زبان پیامبر اکرم (ص) بیان شده اند، جمع بندی پایانی سوره است. خداوند در انتهای سوره، پس از تأکید بر تنزیه ذات خود از هر گونه وصف باطل، به تمامی رسولان الهی که همان «عباد مخلص» اند، درود می فرستد: «سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ * وَ سَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ * وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (۱۸۰-۱۸۲). این چنین، بار دیگر جایگاه رفیع رسولان را برجسته می کند و در پیوند با آیات پیشین، نشان می دهد که مقصود از «صافون» و «مسیحون» در آیات ۱۶۴ تا ۱۶۶، نه فرشتگان، بلکه همان رسولان الهی و بندگان مخلص خداست.

بدین ترتیب، با این تحلیل، انسجام و پیوند موضوعی سراسر سوره روشن می شود. این سوره از آغاز تا انجام، بر دو محور اساسی استوار است:

الف- توحید و یکتا بودن خداوند و نفی هر گونه شریک، به ویژه معبودان دروغین از جنس شیاطین و جنیان.

ب- نجات یافتن با پیروی از عباد مخلص و تأکید بر این که تنها راه هدایت، تبعیت از رسولان و بندگان مخلص خداست.

۶-۲-۴- دو دستور متفاوت در سیاقی واحد

یکی از دلایل مهم برای استنباط اینکه آیات ۱۶۴ تا ۱۶۶ از زبان پیامبر (ص) و در وصف عباد مخلص بیان شده است، این است که در سیاق آیات ۱۴۹-۱۸۲، خداوند در آیه ۱۴۹ ابتدا به پیامبر دستور می دهد که با مشرکان سخن بگوید:

«فَاسْتَنْتَهُمْ...» (۱۴۹)؛ سپس هنگامی که مشرکان همچنان به کفر و تکذیب ادامه می‌دهند، خداوند در ادامه به پیامبر فرمان می‌دهد که از آنان روی گرداند: «قَتُولَ عَنْهُمْ حَتَّىٰ حِينٍ» (۱۷۴).

این سلسله دستورات متضاد-ابتدا خطاب و سپس رویگردانی-به وضوح نشان می‌دهد که گوینده آیات ۱۶۴ تا ۱۶۶ خود پیامبر (ص) است.

۳-۴- دلیل قرآنی و عقلی بر رد برداشت فرشته‌محور از آیات مورد بحث

یکی از مهم‌ترین نقدها بر برداشت فرشته‌محور از آیات «وَمَا مِنَّا إِلَّا لَهُ مَقَامٌ مَّعْلُومٌ»، «وَإِنَّا لَنَحْنُ الصَّافُونَ» و «وَإِنَّا لَنَحْنُ الْمُسَبِّحُونَ» (صافات/۱۶۴-۱۶۶) ناسازگاری آن با اصول قرآنی و مبانی عقلی است. در قرآن، فرشتگان هرگز در مقام احتجاج با انسان‌ها قرار نمی‌گیرند و گفت‌وگوی آنان با پیامبران همواره در قالب وحی از سوی خداوند است، نه سخن و استدلال شخصی. بنابراین، نسبت دادن این آیات به فرشتگان از منظر قرآنی قابل دفاع نیست.

از نظر عقلی نیز، اگر این سخنان از فرشتگان باشد و پیامبر صرفاً گزارشگر باشد، استدلال برای مشرکانی که نه قرآن را می‌پذیرند و نه رسالت پیامبر (ص) را معتبر می‌دانند، منطقی نخواهد بود؛ چرا که پذیرش سخن موجودات غیبی مستلزم ایمان به قرآن و پیامبر است، در حالی که ایمان به غیب از ویژگی‌های متقین است: «ذَٰلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ...» (بقره/۲-۴).

برخی ممکن است آیات «وَيَوْمَ يُحْشَرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ يَقُولُ لِلْمَلَائِكَةِ أَهْلُكُمُ أَهْلُكُمْ كَانُوا يَعْبُدُونَ* قَالُوا سُبْحَانَكَ أَنتَ وَلِيِّنَا مِن دُونِهِمْ بَلْ كَانُوا يَعْبُدُونَ الْجِنَّ أَكْثَرُهُمْ بِهِمْ مُؤْمِنُونَ» (سبأ/۴۰-۴۱) را شاهد آورند. اما این مورد تفاوتی اساسی وجود دارد: اولاً اینکه فرشتگان در آن آیات مخاطب خداوند هستند و در مقام احتجاج با انسان‌ها قرار ندارند. ثانیاً گفت‌وگو در قیامت رخ می‌دهد، نه در بستر نزاع دنیوی. از منظر دنیوی، ابطال عقاید مشرکان باید توسط انسانی هم‌سنخ آنان، یعنی پیامبر، صورت گیرد، نه موجودات غیبی ناشناخته.

۴-۴- پیوند سوگندهای آغازین سوره با اوصاف «عباد مخلص» در آیات ۱۶۴-۱۶۶

با توجه به تحلیل پیشین که نشان داد آیات ۱۶۴ تا ۱۶۶ در وصف «عباد مخلص» آمده است، نتیجه می‌گیریم که سوگندهای آغازین سوره نیز در حقیقت سوگند به همان گروه است و بیانگر مقام ویژه آنان می‌باشد.

خداوند در ابتدای سوره می‌فرماید: «وَالصَّافَّاتِ صَفًّا* فَالزَّاجِرَاتِ زَجْرًا* فَالتَّالِيَاتِ ذِكْرًا» (صافات/۱-۳). مقایسه آیات این پیوند را آشکار می‌سازد:

• هر ۳ آیه ابتدایی سوره ← «وَمَا مِنَّا إِلَّا لَهُ مَقَامٌ مَّعْلُومٌ» (۱۶۴)

• «وَالصَّافَّاتِ صَفًّا» (۱) ← «وَأِنَّا لَنَحْنُ الصَّافُّونَ» (۱۶۵)

• «فَالْتَالِيَاتِ ذِكْرًا» (۳) ← «وَأِنَّا لَنَحْنُ الْمُسَبِّحُونَ» (۱۶۶)

در توضیح گزینه نخست باید گفت که از نظر معنا آیه «وَمَا مِنَّا إِلَّا لَهُ مَقَامٌ مَّعْلُومٌ» (۱۶۴) با سه آیه آغازین «وَالصَّافَّاتِ صَفًّا» «فَالزَّاجِرَاتِ زَجْرًا» «فَالْتَالِيَاتِ ذِكْرًا» (صافات/۱-۳) ارتباطی مفهومی دارد؛ زیرا هر یک از آیات آغازین، مرتبه و وظیفه‌ای ویژه از خدمت‌گزاران الهی را ترسیم می‌کند و در آیه ۱۶۴ این مراتب با تعبیر جامع «مَقَامٌ مَّعْلُومٌ» جمع‌بندی می‌شود.

در این میان، آیه دوم سوره یعنی «فَالزَّاجِرَاتِ زَجْرًا» (۲) نیز با توصیف «انذارکنندگان» هم‌خوانی دارد؛ زیرا «زَجْر» در لغت به معنای منع و نهی کردن و بازداشتن از انجام کاری است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق: ج ۶/ص ۶۱؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق: ج ۴/ص ۳۱۸؛ حسینی‌زبیدی، ۱۴۱۴ق: ج ۶/ص ۴۵۵). علامه طباطبایی نیز بیان می‌کند که واژه «زاجرات» از «زجر» است؛ به این معنا که کسی را با هشدار و تهدید از انجام کاری منصرف کنی (طباطبایی، ۱۳۵۲ش: ج ۱۷، ص ۱۲۰). این معنا با تعبیر «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا فِيهِمْ مُنْذِرِينَ» (۷۲) که در همین سوره برای رسولان الهی آمده، هماهنگ است و نشان می‌دهد که این بخش از سوگند نیز بر نقش هدایتی و هشداردهنده «عباد مخلص» دلالت دارد.

دعای امام سجاده (ع) در صحیفه سجاده، شاهی روشن بر تفسیر «وَالزَّاجِرَاتِ زَجْرًا» به معنای پیامبران و اولیای الهی است. امام سجاده (ع) در صحیفه سجاده هنگامی که از شیطان یاد می‌شد، به منظور پناه بردن به خداوند متعال از دشمنی و نیرنگ‌های شیطان، این گونه می‌فرماید: «اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا فِي نَظْمِ أَعْدَائِهِ، وَاعْزِلْنَا عَنْ عِدَادِ أَوْلِيَائِهِ، لَا تُطِيعُ لَهُ إِذَا اسْتَهْوَأَنَا، وَلَا نَسْتَجِيبُ لَهُ إِذَا دَعَانَا، نَأْمُرُ بِمُنَاوَأَتِهِ مَنْ أَطَاعَ أَمْرَنَا، وَنَعْظُ عَنْ مُتَابَعَتِهِ مَنْ اتَّبَعَ زُجْرَنَا» (صحیفه سجاده، دعای ۱۷). به این معنی که: خدایا ما را در صف دشمنان شیطان قرار ده و از شمار دوستان او جدا کن. هنگامی که می‌خواهد ما را به سوی گمراهی بکشاند، او را اطاعت نکنیم و زمانی که ما را فرا می‌خواند، پاسخش ندهیم. کسانی را که از ما فرمان می‌برند به دشمنی با او فرا می‌خوانیم و کسانی را که از پند و بازدارندگی ما تبعیت می‌کنند، از پیروی او برحذر می‌داریم.

این استعمال دقیقاً همان معنایی را تقویت می‌کند که در تفسیر «وَالزَّاجِرَاتِ زَجْرًا» مطرح شد. لذا تعبیر «زاجرات» مقام کسانی است که با هشدارهای قاطع و انذارهای نافذ، دیگران را از پیروی شیطان و ورود در مسیر گناه باز می‌دارند.

در نتیجه، ساختار سوره از آغاز تا این بخش، بر محور بیان جایگاه ویژه «عباد مخلص» و رسالت توحیدی آنان شکل گرفته و سوگندهای آغازین نه تنها مقدمه‌ای برای اعلان توحیدند، بلکه تأکیدی بر شرافت و مقامی هستند که این برگزیدگان الهی در عالم هستی دارا می‌باشند.

۵- لفافه‌های قرآنی برای معرفی عباد مخلص

یکی از شیوه‌های بیان قرآن در مواجهه با فضای سیاسی و اجتماعی عصر نزول، استفاده از لفافه و سرپوش در طرح مباحث مهم است؛ این روش موجب می‌شود که قرآن از دست کاری و تحریف سیاست‌مداران مصون بماند. نمونه بارز این شیوه را می‌توان در سوره صافات مشاهده کرد.

سوگندهای ابتدایی سوره صافات به گونه‌ای بیان شده‌اند که ذهن اغلب مفسران به سمت فرشتگان سوق پیدا کند، در حالی که هیچ سخنی از فرشتگان در آیات آغازین ذکر نشده است. همین زمینه‌سازی سبب شده که در آیات ۱۶۴ تا ۱۶۶ نیز مفسران به دلیل شباهت معنایی با سوگندهای آغاز سوره، این آیات را وصف ملائکه پندارند.

نکته جالب آن است که در تمام سوره صافات تنها یک بار نام ملائکه آمده (آیه ۱۵۰)؛ آن هم در قالب اعتقاد باطل مشرکان که خداوند بلافاصله آن را رد می‌کند و می‌فرماید شما در حقیقت پیروان جن هستید. با این بیان چگونه می‌توان ملائکه را یکی از محورهای اصلی سوره دانست، در حالی که ساختار سوره به روشنی نشان می‌دهد که شیطان پرستان و کسانی که از جن پیروی می‌کنند مخالفان اصلی قرآن و پیامبر (ص) در سوره صافات هستند.

از این حیث به نظر می‌رسد که خداوند در لفافه‌های بیانی، به گونه‌ای به معرفی «عباد مخلص»-انبیاء و اهل بیت(ع)- پرداخته که اغلب مفسران آن را وصف فرشتگان پنداشته‌اند. در این چارچوب، آیات ۱۶۴ تا ۱۶۶ را می‌توان چنین فهمید:

الف- آیه «وَمَا مِنَّا إِلَّا لَهُ مَقَامٌ مَّعْلُومٌ» (۱۶۴) می‌تواند اشاره به جایگاه برگزیدگان الهی-پیامبران و اهل بیت(ع)- باشد، همان گونه که قرآن در وصف رسولان می‌فرماید: «تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ مِنْهُمْ مَنْ كَلَّمَ اللَّهُ وَرَفَعَ بَعْضَهُمْ دَرَجَاتٍ» (بقره/۲۵۳)؛ به این معنا که هر یک از رسولان مقام و جایگاه خاص خود را دارد.

ب- واژه «صافون» در آیه «وَإِنَّا لَنَحْنُ الصَّافُّونَ» (۱۶۵) به معنای قرار گرفتن در صف‌های پی‌درپی می‌تواند اشاره به آمدن پیامبران و رسولان یکی پس از دیگری برای هدایت مردم باشد. همان‌طور که می‌فرماید: «ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَى آثَارِهِم بِرُسُلِنَا وَقَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ» (حدید/۲۷) و نیز در آیات دیگر در مورد آمدن رسولان یکی پس از دیگری و مخالفت

مستمر با آنان می‌فرماید: «وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَفَقَيْنَا مِنْ بَعْدِهِ بِالرُّسُلِ وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْكِتَابَ وَابْتَدَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ أَفَكُلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَى أَنْفُسُكُمْ اسْتَكْبَرْتُمْ فَفَرِيقًا كَذَّبْتُمْ وَفَرِيقًا تَقْتُلُونَ» (بقره/۸۷). لازم به ذکر است که واژه «قفینا» به معنای پی‌درپی آمدن است. این دیدگاه با ساختار سوره که به ذکر آمدن رسولان پیشین پرداخته، از حضرت نوح (ع) و ابراهیم (ع) گرفته تا رسول خاتم (ص) و اهل بیت (ع) او و مخالفت با آنان ارتباط تنگاتنگ دارد.

ج- در آیه «وَإِنَّا لَنَحْنُ الْمُسَبِّحُونَ» (۱۶۶) تسبیح و ذکر مستمر یکی از ویژگی‌های برگزیدگان الهی معرفی شده است. همانطور که قرآن در همین سوره صافات درباره حضرت یونس می‌فرماید: «فَلَوْلَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ» لَكَلْبَتْ فِي بَطْنِهِ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ» (صافات/۱۴۳ و ۱۴۴).

بر این اساس، آیات ۱۶۴-۱۶۶ در لفافه بیانگر جایگاه انبیاء و اهل بیت (ع) به عنوان «عباد مخلص» هستند، در برابر کسانی که پیروی از جن را برگزیدند.

۶- استناد به روایات در تأیید این دیدگاه

در پایان باید یادآور شد که روایاتی که ذیل دیدگاه دسته دوم از مفسران نقل شده‌اند، در واقع مؤید همین تفسیر از آیات هستند. از آنجا که این روایات با دلالت قرآنی آیات مورد بحث هماهنگ‌اند، همین موافقت با قرآن برای پذیرش صحت و اعتبار آنها کفایت می‌کند. از این رو، نیازی به ورود تفصیلی در مباحث سندی این روایات نیست؛ چرا که روش این پژوهش بر عرضه‌ی روایات بر قرآن استوار بوده است.

نتیجه‌گیری:

پژوهش حاضر با بررسی سه آیه «وَمَا مِنَّا إِلَّا لَهُ مَقَامٌ مَعْلُومٌ * وَإِنَّا لَنَحْنُ الصَّافُونَ * وَإِنَّا لَنَحْنُ الْمُسَبِّحُونَ» (صافات/۱۶۴-۱۶۶) و تحلیل انتقادی آراء مفسران، نشان داد که نسبت دادن این آیات به فرشتگان، هرچند دیدگاه غالب در تفاسیر است، اما از منظر انسجام ساختاری سوره، سیاق آیات و کارکرد خطابی آنها، کمترین پشتوانه تحلیلی را دارد. تحلیل دقیق سیاق ۱۴۹ تا ۱۸۲ سوره، که با فرمان خداوند به پیامبر برای خطاب مستقیم به مشرکان آغاز می‌شود «فَاسْتَفْتِهِمْ...» (صافات/۱۴۹) و با دستور اعراض از آنان پایان می‌یابد «فَقَوْلٌ عَنْهُمْ حَتَّى حِينٍ» (صافات/۱۷۴)، بیانگر آن است که آیات ۱۶۴ تا ۱۶۶ در ادامه همین خطاب و در مقام احتجاج پیامبر (ص) با مشرکان وارد شده است.

نتیجه‌ی این بررسی آن است که آیات ۱۶۴-۱۶۶ بیانگر تبیین جایگاه انبیاء و اهل بیت (ع) - یعنی «عباد مخلص» - از زبان پیامبر (ص) است و نه گفتار فرشتگان؛ زیرا این برداشت، با هدف اصلی سوره صافات، یعنی اثبات توحید، نفی

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی به یکدیگر مخلوط [U2]:
Commented
شده است
جمع‌بندی اگر حذف شود و فقط نتیجه آورده شود بهتر است

نسبت‌های مشرکان و افشای پیروی آنان از جن و شیاطین «وَجَعَلُوا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْجَنَّةِ نِجًا...» هماهنگ‌تر است. افزون بر آن، پذیرش دیدگاه فرشته‌محور با دو چالش اساسی روبه‌روست: نخست، ناسازگاری با منطق قرآن که فرشتگان را در مقام احتجاج مستقیم با انسان‌ها قرار نمی‌دهد؛ دوم، ناکارآمدی خطابی؛ زیرا سخنی که از زبان موجودات غیبی نقل شود، برای مخاطبی که اصل وحی و رسالت پیامبر (ص) را انکار می‌کند، حجیت اقناعی ندارد.

بنابراین، یافته نهایی پژوهش تأکید می‌کند که آیات مورد بحث بر معرفی جایگاه و نقش «عباد مخلص» در نظام هدایت الهی دلالت دارند و این تفسیر از انسجام درون‌سوره‌ای، سازگاری با اهداف کلان سوره و پشتوانه‌ی عقلی و کلامی بیشتری برخوردار است. این برداشت همچنین کارکرد تربیتی آیات را برجسته می‌سازد و نشان می‌دهد که از مهمترین اهداف این آیات، هدایت مخاطب به سوی الگوی صحیح تبعیت یعنی پیروی از عباد مخلص است؛ نه تبیین جایگاه فرشتگان. در واقع، آیات با قرار دادن پیروی از «عباد مخلص» در برابر پیروی نادرست مشرکان از جن، معیار درست انتخاب الگو در مسیر رستگاری را معرفی می‌کنند.

منابع و مأخذ

*قرآن

*نهج البلاغه

*صحیفه سجادیه

آلوسی، محمود بن عبدالله. (۱۴۱۵ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی. دار الکتب العلمیه.

ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد. (۱۴۱۹ق). تفسیر القرآن العظیم (ویراست سوم). مکتبه نزار مصطفی الباز.

ابن ابی زمنین، محمد بن عبدالله. (۱۴۲۴ق). تفسیر ابن ابی زمنین. دار الکتب العلمیه.

ابن رجب، عبدالرحمن بن احمد. (۱۴۲۲ق). روائع التفسیر. دار العاصمه.

ابن شهر آشوب، محمد بن علی. (بی‌تا). متشابه القرآن و مختلفه. بیدار.

ابن عاشور، محمد طاهر. (١٤٢٠ق). *التحرير والتنوير من التفسير*. مؤسسة التاريخ العربي.

ابن فورك، محمد بن حسن. (١٤٣٠ق). *تفسير ابن فورك*. جامعة أم القرى.

ابن منظور، محمد بن مكرم. (١٤١٤ق). *لسان العرب* (ویراست سوم). بی نا.

استرآبادی، علی. (١٤٠٩ق). *تأویل الآيات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة*. مؤسسة النشر الإسلامي.

بحرانی، هاشم بن سلیمان. (١٤١٥ق). *البرهان فی تفسیر القرآن*. مؤسسة البعثة.

بهجت پور، عبدالکریم. (١٣٩٠ش). *همگام با وحی*. مؤسسه تمهید.

تستری، سهل بن عبدالله. (١٤٢٣ق). *تفسیر التستری*. دار الکتب العلمیة.

ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، (١٤١٨ق). *الجواهر الحسان فی تفسیر القرآن*. دار إحياء التراث العربی.

حسینی زبیدی، محمد مرتضی. (١٤١٤ق). *تاج العروس من جواهر القاموس*. بی نا.

حویزی، عبدعلی بن جمعه. (١٤١٥ق). *تفسیر نور الثقلین* (ویراست چهارم). اسماعیلیان.

دینوری، عبدالله بن محمد. (١٤٢٤ق). *الواضح فی تفسیر القرآن الکریم*. دار الکتب العلمیة.

روزبهان بقلی، روزبهان بن ابی نصر. (٢٠٠٨م). *عرائس البیان فی حقائق القرآن*. دار الکتب العلمیة.

زمخشري، محمود بن عمر. (١٤٠٧ق). *الکشاف*. دار الکتب العربی.

زین، محمد فاروق. (١٤٢٥ق). *بیان النظم فی القرآن الکریم*. دار الفکر.

سلمی، محمد بن حسین. (١٣٦٩). *حقائق التفسیر*. مرکز نشر دانشگاهی.

سمرقندی، نصر بن محمد. (١٤١٦ق). *بحر العلوم*. بیروت: دار الفکر.

سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر. (١٤٢٨ق). *الاکلیل فی استنباط التنزیل* (ویراست سوم). دار الکتب العلمیة.

شاه عبدالعظیمی، حسین. (١٣٦٣). *تفسیر اثنی عشری*. میقات.

شنقیطی، محمد امین. (١٤٢٧ق). *أضواء البیان فی إیضاح القرآن بالقرآن* (ویراست سوم). دار الکتب العلمیة.

طباطبائی، محمدحسین. (۱۳۵۲). *المیزان فی تفسیر القرآن* (ویراست سوم). مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.

طبرانی، سلیمان بن احمد. (۲۰۰۸م). *تفسیر القرآن العظیم*. دار الكتاب الثقافی.

طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۰۸ق). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن* (ویراست دوم). ناصر خسرو.

طبری، محمد بن جریر. (۱۴۲۲ق). *جامع البیان فی تفسیر القرآن*. دار المعرفة.

طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). *التیان فی تفسیر القرآن*. دار إحياء التراث العربی.

عاملی، ابراهیم. (۱۳۵۹). *تفسیر عاملی*. کتابفروشی صدوق.

عبدالغنی، علی حسن. (۱۴۱۳ق). *تفسیر ابن جریج*. مکتبه التراث الإسلامی.

عربی، محمد غازی. (۱۴۲۶ق). *التفسیر الصوفی الفلسفی للقرآن الکریم*. دار البشائر.

عیاشی، محمد بن مسعود. (۱۳۸۰ق). *تفسیر العیاشی* (هاشم رسولی، مصحح). مکتبه العلمیه الاسلامیه.

فراهیدی، خلیل بن أحمد. (۱۴۰۹ق). *کتاب العین* (ویراست دوم). بی تا.

فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی. (۱۳۷۳). *تفسیر الصافی* (ویراست دوم). مکتبه الصدر.

قمی، علی بن ابراهیم. (۱۴۰۴ق). *تفسیر القمی* (ویراست سوم). دار الكتاب.

کاشانی، فتح الله بن شکرالله. (۱۳۳۶). *تفسیر کبیر منهج الصادقین فی إلزام المحققین*، چاپخانه محمدحسن علمی.

کوفی، فرات بن ابراهیم. (۱۴۱۰ق). *تفسیر فرات الکوفی*. وزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامی.

ماتریدی، محمد بن محمد. (۱۴۲۶ق). *تأویلات أهل السنة*. دار الكتب العلمیه.

ماوردی، علی بن محمد. (بی تا). *النکت و العیون*. دار الكتب العلمیه.

مغنیه، محمدجواد. (۱۴۲۴ق). *التفسیر الکاشف*. دار الكتاب الإسلامی.

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه* (ویراست سی و دوم). دار الكتب الإسلامیه.

مہائمی، علی بن احمد. (۱۴۳۲ق). *تبصیر الرحمن و تیسیر المنان*. بی تا.

نجم‌الدین کبری، احمد بن عمر. (۲۰۰۹م). *التأویلات النجمیة فی التفسیر الإشاری الصوفی*. دار الکتب العلمیة.

آماده انتشار - دوفصلنامه پژوهش‌های نشر تطبیقی ۱۴۰۴